

✎ گزارش

نمایشگاه «سرزمین اسباب‌بازی» در جست وجوی پیوند فرهنگ و صنعت سرگرمی

سرزمینی بزرگ‌تر از بازی

■ عطیه طالب‌پور

چندی پیش نمایشگاه دائمی «سرزمین اسباب‌بازی»، از خانه قبلی خود در سرچشمه، نقل مکان کرده و به کارستان بهارستان آمد. پس از ماه‌ها تلاش بی‌وقفه برای بازگشایی مجدد این نمایشگاه دائمی در فضایی وسیع‌تر و استانداردتر، «سرزمین اسباب‌بازی» رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. انتقال و استقرار جدید «سرزمین اسباب‌بازی» در مجموعه فرهنگی کارستان بهارستان نیز معنایی فراتر از صرف تغییر مکان دارد. کارستان بهرستان که به «سوره امید» (بخش کودک و نوجوان حوزه هنری) وابسته است، بستری برای هم‌افزایی فعالان عرصه فرهنگ کودک و نوجوان فراهم کرده تا ایده‌های خلاق و تولیدات فرهنگی این حوزه در کنار یکدیگر دیده شوند. حضور «سرزمین اسباب‌بازی» در این فضا، نشانه‌ای از نگاه آینده‌نگر حوزه هنری به پیوند میان فرهنگ و صنعت است؛ نگاهی که می‌کوشد بازی، آموزش، هویت و خلاقیت ایرانی را در قالبی ملموس و کاربردی به خانواده‌ها و فعالان فرهنگی عرضه کند.

«سرزمین اسباب‌بازی» بر اساس ایده‌ای از شهر شانتوی چین، برپا شد. اولین بار این ایده زمانی در ذهن محمدحسین نجچی، مدیرعامل این نمایشگاه دائمی شکل گرفت که او پس از مدت‌ها فعالیت در صنعت اسباب‌بازی، برای بازدید از این شهر پراسباب‌بازی دنیا راهی سفر شد. در آن‌شهر تعداد بسیار زیادی نمایشگاه دائمی از محصولات تولیدی در برندهای مختلف اسباب‌بازی وجود داشت و این سؤال در ذهن نجچی شکل گرفت که چرا چنین نمایشگاهی در ایران نداشته باشیم؟ چون او به خوبی از ظرفیت‌های این صنعت در کشور آگاه بود و می‌دانست می‌توان کاری مشابه را در ابعاد کوچک‌تر در ایران نیز پیاده‌سازی کرد.

حالا در نمایشگاه دائمی «سرزمین اسباب‌بازی»، نزدیک به ۳هزار نوع اسباب‌بازی از ۲۰۰تولیدکننده ایرانی

✎ ادبیات

جمع‌آوری شده که همه آنها به‌گزینی از بین اسباب‌بازی‌های مختلفی هستند که در دسته‌بندی‌های متنوع در کشور تولید می‌شود. از لوازم سرگرمی نوزادان که در حال یادگیری مهارت‌های اولیه ارتباط هستند، تا کتاب‌های آموزشی و حتی مذهبی برای خردسالان و کودکان. از انواع ماشین‌های اسباب‌بازی مثل پرابند و نیسان آبی و اتوبوس، تا جورچین‌ها و بازی‌های فکری و مهارتی. از عروسک‌های کوچک و بزرگ در شکل‌ها و طرح‌های متنوع تا جورچین‌ها و اسباب‌بازی‌های ساختنی، حتی در بین برخی اسباب‌بازی‌ها، لوازمی برای آشنایی با مشاغل مختلف دیده می‌شود. از مجموعه‌هایی که لوازم

بنایی را در ابعاد بسیار کوچک برای بچه‌ها آماده کرده تا خودشان اجر بسازند، ملات درست کنند و خانه رؤیاهایشان را بسازند، تا مجموعه‌های بی‌خطری که نجاری، ماشین‌سازی، آشنایی با ابزار و حتی حکاکی روی شیشه و چوب را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهد.

همچنین «سرزمین اسباب‌بازی» محل تردد بسیاری از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان اسباب‌بازی در کشور است. این‌اسر مزیت‌های بسیاری برای صنعت اسباب‌بازی دارد. از دل این تردها و گمدها، راهکارها و ایده‌های نو برای این صنعت شکل می‌گیرد. این مجموعه می‌تواند به تولیدکنندگان صنعت اسباب‌بازی کشور، آگاهی نسبی از

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۰۹۰۸۸۵۲۳۰۶

66

حضور «سرزمین اسباب‌بازی» در این فضا، نشانه‌ای از نگاه آینده‌نگر حوزه هنری به پیوند میان فرهنگ و صنعت است؛ نگاهی که می‌کوشد بازی، آموزش، هویت و خلاقیت ایرانی را در قالبی ملموس و کاربردی به خانواده‌ها و فعالان فرهنگی عرضه کند

وضعیت فعالیت سایر تولیدکنندگان ارائه داده و رقابتی سازنده را بین آنها ایجاد کند. همچنین استفاده از ظرفیت‌های تولیدی سایر اعضای این صنعت در تولیدات، از دیگر مزیت‌های برپایی این نمایشگاه دائمی است؛ مثلاً وقتی یک تولیدکننده در محصولی از چرخ ماشین استفاده می‌کند، می‌تواند که به جای تولید صفر تا صد این محصول، تولیدکننده دیگری آن را خریداری کند که هم به رونق تولید او کمک کرده و هم فرایند تولید خودش تسریع شده است. بهبود وضعیت صادرات اسباب‌بازی به کشورهای خارجی نیز از دیگر برکاتی است که از گمده‌های بین تولیدکنندگان شکل می‌گیرد و «سرزمین اسباب‌بازی» جایی برای این گمده‌هاست.

خرده فروش‌ها، مهدکودک‌ها، خانه‌های بازی و سایر خریداران عمده اسباب‌بازی به این نمایشگاه می‌آیند تا به جای گفتن بین کارخانه‌های مختلف برای داشتن محصول‌های مورد نظرشان و صرف وقت انرژژی بسیار، مجموعه‌ای از بهترین اسباب‌بازی‌های تولید داخل را ببینند و همانجا، سفارش عمده خودشان را ثبت کنند. محصول‌های تولیدی مستقیماً از کارخانه برای این خریداران خریداری شده و به دست‌شان می‌رسد.

«سرزمین اسباب‌بازی» همچنین

مخاطبان معرفی کنید، چه توضیحی می‌دهید؟

«آقای دیوانه» به‌عنوان یکی از داستان‌های کوتاه این مجموعه، روایت تجلی فردی گمراه از اصول انسانی به عرفان است و روندی را نشان می‌دهد که او برای رسیدن به این درجه طی می‌کند.

هرچند سایر شخصیت‌های این مجموعه‌داستان نیز به نوعی با دیوانگی درونی ناشی از گناهان هفت‌گانه‌ای همچون حرص، حسد، دروغ، خیانت ... درگیرند اما قداست شمس توس در تجلی یافتن این افراد از خوی شیطانی به طبع انسانی، نقشی مؤثر دارد.

از جمله داستان‌های این مجموعه می‌توان به «قابیل»، «تهالی در بهوت»، «عطر صنوبر زیر تازیانه‌ی سوز» و... اشاره کرد.

در نامگذاری مجموعه‌های داستان کوتاه، معمولاً یکی از داستان‌ها به‌عنوان نام اصلی کتاب انتخاب می‌شود. شما چرا عنوان «آقای دیوانه» را برگزیدید؟

انتخاب نام آقای دیوانه، علاوه بر ابهام‌برانگیزی و پارادوکسی که برای خواننده ایجاد می‌کند، نماد اصلی تحول درونی شخصیت‌های کتاب است. افرادی که هر یک به‌دلیل مسائل و مشکلات خود در تلاش‌اند تا تکیه بر منطق و استدلال‌های عقلانی از بند مصائب رهاشوند اما در نهایت راهی جز توسل به قداست امام‌هشتم(ع) و پناه بردن به ایشان نمی‌یابند.

«آقای دیوانه» در دنیای واقعی می‌تواند اشاراتی به بسیاری از افراد در جوامع مختلف باشد که در ظاهر عاقل‌اند اما در درون به دیوانگی‌های عمیق دچارند؛ بیماری‌هایی که نوش داروی آنها می‌تواند ایمان و توسل به نیرویی عرفانی و قدر‌نمند باشد.

اگر نکته‌ای به‌عنوان کلام پایانی دارید، بفرمایید.

مجموعه داستان آقای دیوانه شرح حال شخصیت‌های گرفتار در هزارتوی مصائب است که هر کدام به نوعی تصمیم دارند؛ خود را از تنگنایی که در آن گرفتار شده‌اند رها کنند؛ افرادی که با نوشتن درباره شمس توس، احساس آرامش خاطر عمیقی در من پدید می‌آمد؛ گویی دینی که نسبت به مذهب

ملی کشورم بر گردن داشتم، ادا می‌شد. طبیعتاً همین اشتیاق و علاقه باعث شد لغتی مثال‌زدنی میان من و امام غریب شکل بگیرد و بارها احساس کنم که ایشان مرا طلبیده‌اند. عمده داستان‌های آقای دیوانه افتخار این را داشته‌اند که در مجامع ملی و منطقه‌ای صاحب عناوین اصلی شوند و من این مهم را نشانه‌ای از رضایت امام (رضاع)

از پرداختن به خودشان می‌دانم.

اگر بخواهید خودتان «آقای دیوانه» را برای

قلمه؛ رویدن طنز در سراسر ایران

■ قاطعه شریفی

طنز، زبان نقد و آگاهی است؛ زبانی که می‌تواند هم لبخند بر لب بنشاند و هم اندیشه را به حرکت در آورد. در روزگاری که بسیاری از جریان‌های فرهنگی در پایتخت متمرکز شده‌اند، رویداد ملی آموزشی «قلمه» تلاشی است برای بازگرداندن طنز به متن زندگی مردم و کشف استعدادهای طنزپرداز در سراسر ایران. این رویداد که از سوی دفتر طنز حوزه هنری طراحی و اجرا می‌شود، تا امروز در ۱۱ استان کشور برپا شده و به تدریج به یکی از مهم‌ترین رویدادهای ملی در حوزه طنز ادبی و هنری بدل شده است. ■ ■ ■

■ از ایده تا اجرا؛ چطور قلمه به جریان تبدیل شد؟

رویداد ملی «قلمه» بر پایه یک ایده ساده اما عمیق شکل گرفت: طنز فقط در تهران متولد نمی‌شود.

دفتر طنز حوزه هنری با درک این ضرورت، تصمیم گرفت برنامه‌ای طراحی کند که به‌صورت استان به استان برگزار شود و ضمن شناسایی استعدادهای نو، بستر آموزش و تولید آثار طنز در سراسر کشور را فراهم کند.

قلمه در هر استان با انتخاب فراخوان آغاز می‌شود. شرکت‌کنندگان که اغلب جوانان ۱۵ تا ۳۰ساله هستند، پس از ثبت‌نام در کارگاه‌های تخصصی شرکت می‌کنند. این کارگاه‌ها معمولاً در دو بخش حضوری و مجازی برگزار می‌شوند و شامل سرفصل‌هایی چون شعر و نثر، طنز، داستان طنز، کاریکاتور و کارتون، استندآپ کمدی، یادگست طنز، فن بیان و ایده‌پردازی خلاق هستند. استادان شناخته‌شده طنز ایران – از نویسندگان مطبوعاتی تا طنزپردازان رادیو و تلویزیون – در این دوره‌ها حضور می‌یابند تا تجربه‌های خود را به نسل تازه منتقل کنند.

مثلاً در یازدهمین دوره قلمه مهرماه امسال در مشهد برگزار شد و کارگاه‌های متنوعی در زمینه‌های مختلف طنز برگزار کرد. پیش از آن، استان‌هایی چون سمنان، همدان، یزد، گیلان، قم، خوزستان، اردبیل و اصفهان میزبان این رویداد بودند. هر دوره متناسب با ویژگی‌های فرهنگی استان طراحی می‌شود؛ در خوزستان تمرکز بر طنز اجتماعی بود، در یزد بر داستان کوتاه طنز و در گیلان بر طنز مطبوعاتی و یادگست.

چنین الگویی نشان می‌دهد: قلمه تنها یک کارگاه آموزشی نیست، بلکه یک جریان شبکه‌ساز فرهنگی است؛ شبک‌ای از طنزپردازان جوان که پس از پایان دوره همچنان با دفتر طنز و یکدیگر در ارتباط می‌مانند و آثارشان را در قالب نشریات، کتاب‌ها و محافل طنز منتشر می‌کنند.

■ چرا برگزاری قلمه ضروری است؟

طنز در فرهنگ ایرانی همواره نقشی اجتماعی و انتقادی داشته است؛ از عبید زاکانی و دهخدا تا صابری (گل آقا) و طنزپردازان امروز. با این حال، در دهه‌های اخیر بخش مهمی از ظرفیت طنز کشور در تهران متمرکز شده و بسیاری از استعدادهای شهرستانی امکان بروز و دیده‌شدن نیافته‌اند. قلمه پاسخی فرهنگی به این نابرابری است. این رویداد سه ضرورت اساسی را دنبال می‌کند:



۱) گسترش عدالت فرهنگی

طنز، همچون دیگر هنر‌ها، نیازمند آموزش و میدان تجربه است. وقتی این آموزش از تهران به استان‌ها می‌رسد، عدالت فرهنگی محقق می‌شود. جوانی در شاهرود، خرم‌آباد یا بندرعباس می‌تواند همان آموزشی را دریافت کند که یک طنزپرداز در پایتخت می‌گیرد. این اتفاق، به معنای واقعی، «همی شدن طنز» است.

۲) پرورش نسل تازه طنزپردازان متعهد:

قلمه با تمرکز بر جوانان، دربی پرورش نسلی از طنزپردازان است که علاوه بر مهارت نوشتن و بیان، نگاه اجتماعی و مسئولانه نیز داشته باشند. در فضای امروز که طنز گاه به سطح شوخی‌های بی‌بریشه و فضای مجازی تقلیل می‌یابد، چنین دوره‌هایی به تربیت نسلی کمک می‌کند که طنز را «هنر تفکر» می‌داند، نه صرفاً ابزار خنده.

۳) شکل‌دهی ز دست‌بوم طنز استانی:

وقتی در هر استان گروهی از طنزپردازان آموزش می‌بینند، شبکه‌ای محلی از نویسندگان و هنرمندان شکل می‌گیرد که می‌تواند به‌استمرار فعالیت‌ها کمک کند. در برخی استان‌ها پس از برگزاری قلمه، نشست‌های ماهانه طنز، شب‌های شعر طنز و انتشار نشریات محلی طنز راه افتاده است. به این ترتیب، طنز از یک رویداد مقطعی به یک جریان ماندگار فرهنگی تبدیل می‌شود. افزون بر اینها، قلمه در عمل نشان داده طنز می‌تواند پلی باشد میان هنر و جامعه. زبان طنز، اگر درست و اخلاقی به کار رود، هم انتقادی می‌کند، هم آگاهی می‌بخشد و هم مخاطب را درگیر می‌سازد. از همین روست که دفتر طنز حوزه هنری قلمه را صرفاً دوره‌ای آموزشی نمی‌داند، بلکه آن را بخشی از مأموریت خود در زمینه تربیت هنرمند متعهد و اجتماعی تلقی می‌کند.

■ از کارگاه تا کتاب؛ تمرات قلمه و روی قفسه کتاب فروشی‌ها

نشانه موفقیت هر جریان فرهنگی، «تولید اثر» است. قلمه در این زمینه نیز به نتایج ملموسی رسیده است. بسیاری از شرکت‌کنندگان پس از پایان دوره، نوشتن را ادامه داده‌اند و آثارشان در نشریات طنز، برنامه‌های رادیویی یا کتاب‌های مستقل منتشر شده است.

از جمله کتاب‌هایی که مستقیماً از دل دوره‌های قلمه یا با حمایت دفتر طنز حوزه هنری منتشر شده‌اند، می‌توان به چند نمونه اشاره کرد: «آش‌خوار و می‌شود» نوشته مطهره حکیمیان، داستانی طنز درباره زندگی یک سرباز است که ایده اولیه‌اش در کارگاه طنز یزد شکل گرفت و پس از بازنویسی در همان دوره، ازسوی انتشارات سوره مهر منتشر شد.

«کاملاً» نوشته سیدمحمد سادات‌اخوی، مجموعه طنز نوشته‌هایی است که بخشی از آن حاصل تعامل نویسنده با هنرجویان قلمه و نشست‌های آموزشی دفتر طنز است؛ اثری که طنز را در مرز میان شوخ‌طبعی و تأمل اجتماعی نگه می‌دارد. همچنین مجموعه‌های دیگری از طنزپردازان استانی در دست انتشار است؛ از جمله «قند در عسل» (طنزهای کوتاه اجتماعی از شرکت‌کنندگان دوره خوزستان) و «قندیل طنز» (منتخب آثار کارگاه مشهد) که نشان می‌دهند مسیر قلمه به ثمر نرسیده است. این خروجی‌ها، در کنار شبکه ارتباطی و استمرار جلسات استانی، قلمه را به یک پلتفرم فرهنگی تبدیل کرده است؛ پلتفرمی که از آموزش آغاز می‌کند و به تولید اثر ختم می‌شود.

■ طنز؛ زبانی برای آگاهی و امید

در روزگاری که جامعه بیش از هر زمان دیگر به زبان نرم نقد و گفت‌وگو نیاز دارد، طنز می‌تواند یکی از مؤثرترین قالب‌های هنری برای ترویج امید و اصلاح باشد. قلمه، با تأکید بر آموزش، اخلاق و تعهد در طنز، این پیام را منتقل می‌کند که خندیدن، اگر با تفکر همراه باشد، می‌تواند ابزار رشد فرهنگی باشد. برگزاری ۱۱ دوره موفق در استان‌های مختلف، حضور بیش از هزار شرکت‌کننده از سراسر کشور و شکل‌گیری چندین اثر مکتوب و نمایشی از دل این رویداد، همه نشانه آن است که قلمه به مرحله بلوغ رسیده است. حالا دیگر طنز، نه فقط در مجلات و پایتخت، بلکه در شهرهای کوچک و میان نسل جوان جریان دارد. قلمه یعنی جوله‌زدن لبخند آگاهانه در خاک فرهنگ ایران؛ طنزی که می‌خنداند، اما پیش از آن، می‌اندیشد.